



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

ضمانت کیفری حقوق اقتصادی زوجه

مظاهر خواجهوند^۱، مینا جعفری^{۲*}، مجتبی لطفی خاچک^۳

۱. عضو هیات علمی، گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران.

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: زوجه در روابط با زوج دارای حقوق متعددی است. بخشی از این حقوق تحت عنوان حقوق مالی و اقتصادی یاد می‌شود. حقوق اقتصادی زوجه شامل مواردی چون مهریه، نفقه، نخله اجرت‌المثل می‌باشد. هدف اصلی مقاله حاضر این است که ضمانت اجرای کیفری حقوق اقتصادی زوجه را بررسی نماید. **مواد و روش‌ها:** مقاله پیش‌رو توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است.

یافته‌ها: همه مصادیق حقوق اقتصادی زوجه دارای ضمانت کیفری نیست. بهره‌گیری از ضمانت کیفری در روابط زوجین چندان با بنیان و فلسفه خانواده و ازدواج که مبتنی بر علاقه است سازگار نیست، بر همین اساس رویکرد قانون‌گذار در این خصوص حداقلی است.

ملاحظات اخلاقی: در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی از جمله بهره‌گیری علمی و دقیق از منابع علمی رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: در خصوص حقوق اقتصادی زوجه صرفاً در مورد مهریه و نفقه ضمانت کیفری پیش‌بینی شده است. در خصوص مهریه نیز با صدور بخشنامه اخیر قوه قضائیه که برای اجرای احکام حبس عدم پرداخت مهریه محدودیت قائل شده است، عملاً ضمانت کیفری منتفی شده است. قانون‌گذار برای نفقه نیز ضمانت کیفری حبس تعیین کرده است اما واقعیت امر این است که مجازات حبس برای ترک انفاق تأثیری بر وضعیت زوجه ندارد. بنابراین بهتر است به جای مجازات حبس، مجازات‌های دیگری از جمله محکومیت به کار اجباری در مراکز معین و پرداخت دستمزد آن به محکوم‌له در نظر گرفته شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۵-۹۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

واژگان کلیدی:

ضمانت کیفری، حقوق اقتصادی، زوجه، مهریه، نفقه

نویسنده مسوول:

مینا جعفری

آدرس پستی:

ایران، ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات ساری.

تلفن:

۰۹۱۲۳۱۵۷۲۷۵

کد ارکید:

0000-0002-0619-119X

پست الکترونیک:

m_jafari@gmail.com

۱. مقدمه

زن به عنوان یکی از ارکان اصلی تشکیل‌دهنده خانواده با توجه به نقشی که در خانواده ایفا می‌کند دارای امتیازات و وظایفی است. به طور کلی منشأ اعطای حقوق و مالکیت زن نسبت به اموال ممکن است بر اساس قرارداد، اسباب خارج از قرارداد یا به موجب حکم قانون و ناشی از نهادهای قانونی مانند مهریه و نفقه باشد. هرچند در تصرف زن در اموال شوهر، محدودیت‌هایی برای او وجود دارد اما با این وجود در این حیطة دارای امتیازاتی است که به لحاظ حقوق اقتصادی قابل بررسی است. خانواده نهادی اقتصادی نیست و قواعد رفتاری خانواده را نمی‌توان بر اساس ماهیت قواعد اقتصادی تحلیل کرد. اما نظام حقوقی، بعد اقتصادی خانواده را مورد توجه قرار می‌دهد سپس حقوق اقتصادی و امتیازات اقتصادی زن در خانواده را تحلیل می‌کند. این امتیازات اقتصادی بخش دیگری از حقوق زن در خانواده است. این حقوق جنبه اثباتی دارد و دارای ارزش اقتصادی است اما برخی دیگر از امتیازات اقتصادی، حقوق ناشی از مصالحی است که قانون‌گذار برای زن در محیط خانواده مقرر کرده است. دسته دیگر این حقوق نیز مبتنی بر قواعد عمومی ضمان است که این حقوق نیز ناشی از انجام دادن کار است. دسته آخر نیز ناشی از قرارداد است که زوجین بر سر آن توافق نموده‌اند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۷، ۱۹۳). سؤال اساسی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که ضمانت کیفری حقوق اقتصادی زن چیست؟ به عبارتی چنانچه زوج از اجرای تعهدات خود در خصوص حقوق اقتصادی

زوجه امتناع نماید، چه الزام و ضمانت اجرای کیفری در قانون برای اینکه زوجه بتواند حقوق اقتصادی خود را محقق سازد، پیش‌بینی شده است؟ فرضیه مقاله به این شکل قابل طرح است که «رویکرد قانون‌گذار در استفاده از ضمانت کیفری در حقوق خانواده حداقلی است و به نفقه و مهریه محدود شده است». ضمانت اجرا یعنی اگر کسی از عمل به آن قواعد امتناع ورزد، نیرویی وی را ناگزیر از عمل می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۳۲۰). «ضمانت اجرا در امور کیفری نهادی قانونی است که برای خودداری از انجام فعل مجرمانه پیش‌بینی می‌شود. از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که، ضمانت اجرا در امور کیفری، انواع مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و محرومیت‌های اجتماعی است. ضمانت اجرا در امور کیفری معمولاً، اعدام، حبس، شلاق، تبعید، مصادره اموال، جزای نقدی و یا سلب حقوق اجتماعی است» (گلدوزیان، ۱۳۹۰، ۴۸). بحث ضمانت اجرا در حقوق خانواده و در روابط مالی زوجین از موضوعات محل مناقشه است. در برخی از حوزه‌ها ممکن است استفاده از ضمانت اجرای کیفری توصیه شود اما در چارچوب خانواده که بنیان آن مبتنی بر علاقه، فداکاری و سایر مضامین انسانی است بحث ضمانت اجرای کیفری بیش از هر حوزه دیگری با حساسیت و نقد و نظر مواجه است. در راستای بررسی ضمانت کیفری حقوق اقتصادی زوجه در مقاله حاضر ابتدا نگاهی گذرا به حقوق اقتصادی زوجه پرداخته می‌شود و در ادامه از ضمانت اجرای کیفری در این خصوص بحث و بررسی می‌شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی از جمله بهره‌گیری علمی و دقیق از منابع علمی رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

مقاله پیش‌رو توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است.

۴. یافته‌ها

همه مصادیق حقوق اقتصادی زوجه دارای ضمانت کیفری نیست. بهره‌گیری از ضمانت کیفری در روابط زوجین چندان با بنیان و فلسفه خانواده و ازدواج که مبتنی بر علاقه است سازگار نیست، بر همین اساس رویکرد قانون‌گذار در این خصوص حداقلی است.

۵. بحث

۵-۱. بحث نظری

در این قسمت تلاش شده به عنوان بحث نظری، ضمانت اجرا و حقوق اقتصادی زوجه بررسی شود و در ادامه به ضمانت کیفری این حقوق پرداخته شود.

۵-۱-۱. ضمانت کیفری

داشتن ضمانت اجرا از ویژگی‌های حقوق است. برای استقرار عدالت و تنظیم روابط اجتماعی، بایستی مردم در برابر هم حقوق و تکالیفی داشته باشند تا هرگاه حقی مورد تجاوز یا انکار واقع شود، دولت آن را اجرا کند. یعنی؛ در پناه قدرت خویش،

نظمی را که ملازمه حفظ اجتماع می‌داند، تأمین سازد. پس، داشتن ضمانت اجرا یکی از لوازم و ویژگی‌های حقوق است و همین صفت، قاعده حقوقی را از سایر قواعد اجتماعی مانند؛ اخلاق و مذهب، جدا و ممتاز می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۵۲۳). به نظر باید در تعریف ضمانت اجرا میان امور حقوقی و کیفری قائل به تفکیک شد ضمانت اجرا در امور حقوقی؛ نهادی حقوقی است که به موجب قانون یا قرارداد ایجاد شده و در ابتدا طرفین قرارداد را به پایبندی به مفاد قراردادها وادار می‌کند و در صورت تخلف هر یک از آنها خودبه‌خود یا به اراده طرفی که حق او مورد تجاوز یا انکار قرار گرفته اجرا می‌گردد. برای مثال؛ ضمانت اجرای شرایط صحت عقود بطلان یا عدم نفوذ یا عدم قابلیت استناد است. اما ضمانت اجراها در انواع مختلف قراردادها چهره‌های گوناگون به خود می‌گیرد. برای مثال، در عقود لازم مسئولیت قراردادی حاکم است و الزام و اجبار به انجام تعهد امکان‌پذیر است. در عقود جایز نیز مسئولیت قراردادی تا زمان فسخ یا انفساخ به فوت و سفه و جنون حاکم است. در پیش قراردادها مسئولیت قراردادی حاکم است و طرفین وجه التزام نیز می‌توانند قرار دهند. در عقود معوض حق حبس به عنوان ضمانت اجرا مطرح است. تنها استثنای قراردادها که فاقد ضمانت اجرا به نظر می‌رسد، نامزدی است که البته آن هم ممکن است به موجب مواد ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و بند ۱ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ با جبران خسارات مادی و معنوی همراه باشد. ضمانت اجرا در امور کیفری نهادی صرف قانونی

۵-۱-۲. حقوق اقتصادی زوجه

امتیازات و حقوق اقتصادی زن، مرد فعالیت‌های زوجه در دوران زوجیت است. زن در زندگی فداکاری‌هایی می‌کند که اغلب در هیچ جایی از زندگی به شمار نمی‌آید که این امتیازات می‌تواند به عنوان پاداش مرد به خدمات زن در طول زندگی مشترک باشد. حقوق اقتصادی زوجه انواع مختلفی از حقوق را شامل می‌شود که نفقه، مهریه، نحله و اجرت‌المثل مهم‌ترین آن‌هاست که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱-۲-۱. نفقه

یکی از مهم‌ترین حقوق اقتصادی زن که بر عهده شوهر است، موضوع نفقه می‌باشد. از نظر لغوی، نفقه یعنی بخشش، هزینه زندگی، و آن چه در راه خدای تعالی به کسی دهند و جمع آن نفاق و نفقات است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۳۵۷). نفقه در اصطلاح حقوقی، به معنای تأمین مایحتاج ضروری همسر و اقارب واجب‌النفقه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ۷۱۸). مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران، «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». بر این اساس نفقه مشمول همه وسایلی می‌شود که زن با توجه به درجه تمدن، محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است و داوری آن را باید بر عهده عرف گذاشت (امامی و صفایی، ۱۳۹۰، ۱۳۷). در عقد

است. که برای خودداری از انجام فعل مجرمانه پیش‌بینی می‌شود. از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که، ضمانت اجرا در امور کیفری، انواع مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و محرومیت‌های اجتماعی است. ضمانت اجرا در امور کیفری معمولاً، اعدام، حبس، شلاق، تبعید، مصادره اموال، جزای نقدی و یا سلب حقوق اجتماعی است (گلدوزیان، ۱۳۹۰، ۴۸). ضمانت اجرا در سایر رشته‌های حقوق به صورت بطلان و فسخ معامله، اجبار متعهد به انجام تعهد در مورد دیون و سایر تعهدات و یا به صورت جبران خسارات وارده و یا برگشت وضع به حالت اولیه در موارد غصب و تصرف عدوانی می‌باشد. از جمله وجه افتراق ضمانت اجرا در امور کیفری با امور حقوقی در این است که در امور حقوقی ضمانت اجرا عموماً برای انجام کار یا عدم انجام کاری است که به موجب قانون یا قرارداد افراد ملزم به رعایت آن هستند. همچنین افراد در امور حقوقی برای گذاشتن ضمانت اجرا آزاد هستند. اما در امور کیفری قرارداد نقشی ندارد و فقط قانون آن را پیش‌بینی می‌کند و ضمانت اجرا فقط برای عدم انجام فعل مجرمانه پیش‌بینی می‌شود. حال فعل مجرمانه ممکن است انجام فعل یا ترک فعل باشد. به طور کلی می‌توان چنین گفت که ضمانت اجرا ابزار قانون یا قرارداد و مجریان قانون برای مقابله با تخطی و تجاوز از قانون و مفاد قراردادها است.

آن می‌گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود (امامی و صفایی، ۱۳۹۰، ۱۴۸). حق برخورداری از مهر در نکاح دائم و موقت یکی از مهم‌ترین حقوق اقتصادی زن است. مهر در اصطلاح فقهی با عناوین مختلفی مانند صداق، صدقه، نحله، اجر، فریضه، علیقه، علایق، عقر و حبا مورد بحث قرار گرفته است (حکمت نیا، ۱۳۹۷، ۱۹۳).

مهریه البته انواع مختلفی دارد. زن و شوهر در خصوص میزان مهریه باید با هم توافق کنند. بنابراین زوج به مناسبت عقد نکاح ملزم به پرداخت آن به زوجه می‌گردد و هر زمان که زوجه بخواهد می‌تواند آن را مطالبه نماید. زن و شوهر در مورد مقدار و نوع مهر توافق نموده و میزان آن را مشخص می‌نمایند. بنابراین مهری که ضمن عقد یا پس از آن به تراضی طرفین مشخص می‌شود مهرالمسمی نامیده می‌شود. مهرالمثل نیز به مهری گفته می‌شود که مقدار آن با رعایت حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود (ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی).

همچنین باید به مهرالمتعه اشاره کرد. تعیین مهرالمتعه مبتنی بر زیبایی، شرافت، شایستگی و سایر صفات زن نیست بلکه مرد باید به تناسب ثروت خود مالی را به زن بدهد. بنابراین، برای تعیین مهرالمتعه، حال مرد از حیث غنی و فقر ملاحظه می‌شود (ماده ۱۰۹۶ قانون مدنی).

دائم نفقه زن به عهده شوهر است (ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی). زوجه در صورتی استحقاق نفقه خواهد داشت که از زوج تمکین نماید و وظایف زناشویی خود را در مقابل زوج انجام دهد. این نظر که در فقه مورد اتفاق فقهای امامیه است در قانون مدنی نیز پذیرفته شده است (ماده ۱۱۰۸ قم) (فرشتیان، ۱۳۷۱، ۱۰۵-۹۳). فقهای شیعه عموماً نفقه را خاص عقد دائم و تمکین کامل از سوی زوجه دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۳، ۵۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ۳۴۷؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۰، ۴۶۵). صاحب ریاض هم نفقه را همانند عوض معاملات در مقابل تمکین دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۶۴). شیخ طوسی این معاوضه را به نحو بدیهی بیان نموده، معتقد است با وجود عقد، بدون تمکین، نفقه نیست. وی مقابل تمکین را نشوز دانسته است که نفقه را منتفی می‌کند (طوسی، بی‌تا، ۱۱). مهم‌ترین دلیلی که قائلان به این نظر (بدون هیچ اشکالی) به آن استناد نموده‌اند؛ شهرت بین فقهاست (نجفی، ۱۳۸۶، ۳۰۴).

۵-۱-۲-۲. مهریه

مهر (بر وزن شهر) مال (و یا چیزی که قائم‌مقام مال باشد) معین است که بر سبیل متعارف زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد. مهر به ضم اول قطعه فلزی است که روی آن اسم شخص حکاکی شده و به جای امضاء به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ۷۰۲). مهر یا صداق که در فارسی به آن کابین یا دست پیمان گفته می‌شود، مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک

۵-۱-۲-۳. نحله و اجرت‌المثل

«نحله» به کسر نون به معنی «مذهب و دیانت» است (عمید، ۱۳۶۲، ۱۱۷۷). نحله عطیه‌ای است که در مقابل آن ثمن و عوض نمی‌باشد (طریحی، ۱۴۱۶، ۲۸۲). نحله مترادف با عطیه به معنای بخشش و عطای مجانی و رایگان است (فیض، ۱۳۶۱، ۳۸۴). فراهیدی در معنای نحله می‌نویسد: «نحله آن است که تو به انسان چیزی بدهی بدون اینکه عوض طلب کنی» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۳). در لسان‌العرب هم به همین مضمون آمده است: «نحله از جانب پروردگار برای زنان قرار داده شده به این صورت که مردان چیزی به عنوان صدق به ایشان بپردازند و برای زنان چیزی از انواع غرامت را قرار نداده است» (ابن منظور، ۱۴۰۵؛ هدایت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶).

در تعریف حقوقی اجرت می‌توان گفت: «اگر کسی از مال دیگری منتفع گردد و عین مال باقی باشد و برای مدتی که منتفع شده، بین طرفین مال‌الاجاره‌ای معین نشده باشد، آنچه بابت اجرت منافع استیفا شده باید به صاحب مال مزبور بدهد، اجرت‌المثل نامیده می‌شود، خواه استیفای مزبور با اذن مالک باشد خواه بدون اذن او» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ۱۱-۱۰). تعریف فوق فقط به انتفاع از مال دیگری اشاره نموده است. موضوع بحث ما بهره‌مندی زوج از نیروی کار زوجه در ایام زندگی زناشویی است و کار نیز نوعی مال است که دارای ارزش مالی بوده و قابل مبادله با پول است، لذا استیفا از کار دیگری نیز مستحق اجرت‌المثل است و از این رو می‌توان گفت: «اجرت‌المثل در

برابر اجرت‌المسمی است و به مزدی که معمولاً مردم در برابر انجام دادن کاری به عامل می‌پردازند و از آن نام برده نشده و معین نگردیده است، گفته می‌شود» (فیض، ۱۳۶۱، ۲۶۷). اجرت‌المثل در بحث حاضر یعنی تعیین اجرت عمل بدون اینکه از ابتدا حدود آن مشخص شده باشد و ملاک تعیین آن میزان عمل و مدت آن و عرف محل است. در حقوق موضوعه ایران، در روابط بین زوجین موردی پیش‌بینی شده که با شرایطی زن محق به دریافت اجرت‌المثل و یا نحله در هنگام طلاق است. یکی از شرایط تعلق اجرت‌المثل به زن، شرط ضمن عقد است. منظور عقود است که ضمیمه تعهدهای اصلی عقود دیگر قرار می‌گیرد و حدود و تعهدات را کامل می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۱۳۰). مطابق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ «دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین... تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند». در خصوص شرایط تعلق اجرت‌المثل، ماده ۳۳۶ قانون مدنی مقرر داشته است: «هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده یا آن شخص عادتاً مہیای آن عمل باشد عامل مستحق عمل خود خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود قصد تبرع داشته است». همچنین بند الف تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۲۸/آبان/۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد: «چنانچه زوجه

درآمد به بیمه شده و در صورت فوت او برای تأمین معیشت بازماندگان وی به آنان پرداخت می شود». به موجب بند ۱ ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی: «عیال دائم بیمه شده متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده است». از جمله «بازماندگان واجد شرایطی متوفی بوده که استحقاق دریافت مستمری را خواهند داشت». بنابراین مطابق قانون تأمین اجتماعی، شرایط زن برای دریافت حقوق شوهر پس از مرگ عبارتند از اینکه زن، زوجه دائم فرد فوت شده بوده و بعد از فوت متوفی، مجدداً ازدواج نکرده باشد. نکته ای که باید به آن توجه نمود آن است که این بخش از بند ۱ ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی که مقرر داشته: «مادام که شوهر اختیار نکرده است». به موجب بند ۱ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که مقرر داشته: «زوجه دائم متوفی از حقوق وظیفه یا مستمری وی برخوردار می گردد و ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نیست»، نسخ شده است و بنابراین در حال حاضر، عدم ازدواج مجدد زوجه، از شرایط برخورداری زوجه از دستمزد متوفی نمی باشد. شرایط زن برای دریافت حقوق شوهر پس از مرگ وی در قانون استخدام کشوری در بند (ت) ماده ۸۶ قانون استخدام کشوری بیان گردیده که مشابه ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی می باشد. با این توضیح که: «عیال دائمی متوفی تا زمانی که شوهر اختیار نکرده باشد». برای دریافت حقوق شوهر پس از مرگ وی، دارای صلاحیت خواهد بود. البته مانند مشمولین تأمین اجتماعی، در مورد زوجه بازمانده مشمولین قانون استخدام کشوری نیز، قانون

کارهایی را که شرعاً عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می کند». پس زوجه می تواند با استناد به مواد فوق در صورت حصول شرایط ذیل اجرت‌المثل ایام زوجیت را از زوج مطالبه کند.

از عوامل مؤثر در الزام اجرت‌المثل یا عدم الزام آن قصد تبرع یا عدم تبرع مطرح است. وقتی نوعی تراضی صریح یا ضمنی درباره استیفای مال وجود داشته باشد، قانون‌گذار بر مبنای آن استیفاکننده را ملزم به پرداخت اجرت‌المثل می کند (ماده ۳۳۷ قانون مدنی). اگر همسری از روی دلسوزی و مهر و محبت خدمتی را انجام بدهد، در زمان به هم خوردن روابط نمی تواند ادعای دستمزد از همسرش کند چون تبرعاً انجام داده مگر اینکه عدم تبرع را اثبات کند (ماده ۳۳۶ قانون مدنی). به هر کس مالی به دیگری بدهد بدون آنکه مقروض آن چیز باشد می تواند استرداد کند (ماده ۲۶۵ قانون مدنی).

۵-۱-۲-۴. حقوق مستمری زوجه

یکی دیگر از حقوق اقتصادی زوجه دریاات مستمری بازنشستگی زوج بعد از فوت وی است. مطابق بند «۱۵» ماده «۲» قانون تأمین اجتماعی: «بازنشستگی عبارت است از عدم اشتغال بیمه شده به کار به سبب رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در این قانون». مطابق ماده ۲ قانون مذکور «مستمری عبارت از وجهی است که طبق شرایط مقرر در قانون به منظور جبران قطع تمام یا قسمتی از

پس از انقلاب اسلامی ایران با تصویب قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ ماده ۱۰۵ این قانون به جرم ترک انفاق اختصاص یافت: این مفهوم از عبارت دادگاه می‌تواند او را به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم نماید، برمی‌آید که مفهوم مخالف آن این است که دادگاه نیز می‌تواند او را به شلاق محکوم ننماید. نکته مهم دیگر تغییر مجازات این جرم از حبس به شلاق بود. با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مجازات جرم ترک انفاق از شلاق به حبس تغییر یافت.

«قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ضمانت اجرای کیفری مربوط به ترک انفاق در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ را تشدید کرده است. مطابق ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، برای مجازات ترک انفاق، مجازات ۹۱ روز تا ۵ ماه حبس تعیین شده بود اما بر اساس ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، برای ترک انفاق، مجازات حبس تعزیری درجه ۶، یعنی حبس بیش از ۶ ماه تا ۲ سال، در نظر گرفته شده است» (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۲). لازم به ذکر است که منظور از اشخاص واجب النفقه مذکور در ماده مزبور اولاد و اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی می‌باشد.

در دادسرا ادعای مطروحه بررسی و با انجام تحقیقات مقتضی در صورت احراز جرم، پرونده با کیفرخواست به دادگاه عمومی جزائی ارسال می‌شود. قابل ذکر است گاهی ملاحظه شده در جریان دادرسی زوج حاضر می‌شود با پرداخت مقداری وجه نقد به عنوان نفقه رضایت زوجه را

حمایت خانواده سال ۱۳۹۱، «قید تا زمانی که شوهر اختیار نکرده باشد» را حذف نموده و بنابراین در حال حاضر، عدم ازدواج مجدد زوجه، از شرایط دریافت مستمری متوفی تحت پوشش قانون استخدام کشوری نمی‌باشد.

۵-۲. ضمانت اجرای کیفری حقوق اقتصادی

زوجه

در این قسمت تلاش شده، ضمانت اجرای کیفری حقوق اقتصادی زوجه بررسی شود.

۵-۲-۱. ضمانت اجرای کیفری نفقه

بررسی تاریخچه جرم ترک انفاق در حقوق جزای ایران به ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ برمی‌گردد. همچنان که ملاحظه می‌شود این ماده مجرم بودن فرد و مجازات وی را مشروط به این دانسته که نه تنها حاضر به پرداخت نفقه نباشد بلکه همسر خود را طلاق هم ندهد. بدین ترتیب در قانون مذکور لزوم پرداخت نفقه منوط به تمکین زن به موجب ق.م. می‌باشد و قانون‌گذار، مرد را میان پرداخت نفقه و طلاق زن مخیر نموده بنابراین در صورتی که مرد قصد طلاق زن خود را داشت و نفقه زن را پرداخت نمی‌کرد مشمول مجازات مقرر در ماده ۲۱۴ نمی‌گردید. با تصویب قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۵۳ ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی سابق، محلی برای اجرا نداشت و طبق ماده ۲۸ قانون فوق‌الذکر که کلیه قوانین مغایر با قانون حمایت خانواده را منسوخ نموده ملغی گردید.

به محکوم‌له در نظر گرفته شود و به وجود آمدن حق طلاق به دلیل عدم پرداخت نفقه از قانون حذف گردد.

۵-۲-۲. ضمانت اجرای کیفری مهریه

ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده دو قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.» طبق ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ نحوه مطالبه مهریه را در سه حالت می‌توان متصور شد. حالت اول) مهریه کمتر از ۱۱۰ سکه است: که در این صورت باید تمامی مهریه پرداخت شود، در غیر این صورت برابر قانون رفتار خواهد شد (مطابق ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی). حالت دوم) مهریه دقیقاً ۱۱۰ سکه است: که مانند حالت اول باید تمامی مهریه پرداخت شود، در غیر این صورت برابر قانون رفتار خواهد شد (طبق ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی کسانی که برای پرداخت ۱۱۰ سکه اقدام نکنند، راهی زندان می‌گردند). در واقع قانون‌گذار مهریه تا سقف ۱۱۰ سکه را دارای دو ضمانت اجرا یعنی هم کیفری به موجب ماده ۲ اجرای محکومیت‌های مالی و هم ضمانت اجرا حقوقی می‌داند و مابقی را اگر زائد بر آن است، منوط به اثبات استطاعت مالی زوج

جلب نماید که اگر نظر زوجه تأمین شود بلاشکال است ولی باید توجه نمود چون نفقه مشتمل بر اقلام عدیده اعم از مسکن، البسه، غذا و سایر هزینه‌های ضروری زندگی می‌باشد وظیفه اولیه و قانونی مرد، تأمین عین مایحتاج مزبور است تا رضایت زوجه حاصل شود. و چنانچه با موافقت زوجه مقرر شود همه موارد تبدیل به پول شود اصولاً باید همه جوانب و هزینه‌ها به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد و طبعاً در شهر و روستا متفاوت است و به همین دلیل کارشناس رسمی تعیین میزان نفقه وجود دارد و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن نیازهای واقعی زندگی با پرداخت اندکی پول، مسئولیت زوج را مرتفع دانست. به هر حال چنانچه مرد به وظیفه خود عمل نکند و رضایت زوجه حاصل نشود محکوم به مجازات می‌شود.

در تحلیل و ارزیابی ضمانت کیفری نفقه به نظر می‌رسد بهتر است در قانون، به جای قرار دادن مجازات حبس برای مرتکبین به جرم ترک انفاق، آن‌ها را به کار اجباری در مراکزی معین محکوم کرده و هزینه آن را به عنوان نفقه به خانواده محکومین پرداخت نمایند و دیگر عدم پرداخت نفقه باعث ایجاد حق طلاق برای زنان نباشد. محکومیت به کار اجباری و پرداخت دستمزد آن به محکوم‌له، می‌تواند در خصوص بی‌مسئولیتی مردان و طلاق زنان و به تبع آن از هم پاشیدگی خانواده‌ها، بازدارندگی بسیار مؤثرتری نسبت به مجازات حبس داشته باشد. بنابراین بهتر است به جای مجازات حبس، مجازات‌های دیگری از جمله محکومیت به کار اجباری در مراکز معین و پرداخت دستمزد آن

مهریه کمتر از گذشته گردیده است. تعیین این سقف باعث شده است که مهریه‌های بالاتر از ۱۱۰ عدد سکه، بدون قید در سند نکاحیه، به صورت عدل‌الاستطاعه باشد و فقط با اثبات توان مالی زوج قابل پرداخت بوده در غیر این صورت ضمانت اجرایی ندارد.

این اقدام قانون‌گذار در خصوص تعیین سقف اجرای مهریه، بسیار پسندیده و کاربردی می‌باشد و با توجه به وجود چنین قانونی زنان نیز کمتر مهریه را به عنوان دستاویزی برای تحت فشار قرار دادن مرد جهت طلاق قرار می‌دهند. بعد مثبت ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ آن است که نظام حقوقی و جامعه را تنها مسئول آن بخشی از مهریه می‌داند که به صورت عقلانی و منطقی تعیین شده و تحت تأثیر تصمیمات نابخردانه زوجین نبوده است.

با این وجود به نظر نگارنده، دیدگاه متفاوتی نیز وجود دارد که با مذاق عرف موجود سازگاری بیشتری دارد. بر این اساس، مهر زیاد در ارتقای ضریب استحکام بنیان خانواده و در نتیجه، کاهش احتمال وقوع طلاق و تبعات سوء ناشی از آن تأثیرگذار است. عموماً مواردی تحت عنوان «عدم اطمینان خاطر نسبت به آینده»، «ترس از وقوع مسائل غیرقابل پیش‌بینی»، «کنترل هواخواهی و مهار تمایلات تنوع‌جویانه مرد» پشتوانه چنین دیدگاهی است.

به نظر می‌رسد چنانچه طرفین بر مهریه عدل‌الاستطاعه توافق کرده باشند دو اثر مهم در پی دارد یکی اسقاط حق حبس موضوع ماده ۱۰۸۵ به

دانسته که بار اثبات این استطاعت به عهده زوجه می‌باشد. حالت سوم) مهریه بیش از ۱۱۰ سکه تعیین شده است: که در این وضعیت، در ابتدا باید ۱۱۰ سکه مطابق قانون پرداخت گردد. و در صورت امتناع از پرداخت، مطابق ماده ۲ محکومیت‌های مالی زندان در انتظار فرد خاطی است. سپس دادگاه تمکن مالی فرد را بررسی کرده و مطابق وضعیت مالی و تمکن وی تصمیم‌گیری خواهد نمود.

بر اساس دیدگاه شورای نگهبان ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ با شرع و قانون اساسی مغایرت ندارد. بر این اساس «با توجه به وجود مهریه‌های سنگین و بدون حساب در جامعه، این ماده در راستای جلوگیری از تعیین این مهریه‌ها، صرفاً حمایت کیفری ابتدایی خود را از تعداد بیشتر از ۱۱۰ سکه برداشته است و با توجه به این که در دیونی این چنینی به خصوص در مورد جوانان، اصل بر عدم ملائت و دارایی زوج به پرداخت این دین به زوجه است، قانون‌گذار حمایت کیفری خویش را در بیش از این میزان، منوط به اثبات ملائت زوج کرده است. لذا این ماده مغایرتی با شرع و قانون اساسی ندارد و حتی در خصوص سایر افراد مدیون نیز، در صورتی که نسبت به سابقه ملائت یا اعسار آنان، علم وجود نداشته باشد، اصل بر عدم ملائت است و نباید اقدام به حبس آنان کرد» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ۴۶).

در واقع با قرار دادن سقف اجرایی برای پرداخت مهریه، زنان نیز کمتر تمایل به گرفتن مهریه‌های بالا دارند و نگرانی مردان نیز در مورد پرداخت

قانون گذار با تصویب ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ علاوه بر این که ظاهراً خواسته است اصل آزادی اراده عمل نکند، به گونه ای طرح مسئله کرده که طرفین عقد نکاح را مجاب کند مهریه را بیشتر از ۱۱۰ سکه تعیین نکنند. یعنی حمایت‌ها و ضمانت اجراهای مهریه‌های بالاتر از ۱۱۰ سکه را کم کرده است. مؤید مطلب ادامه ماده می‌باشد که عنوان نموده «چنان چه مهریه بیشتر از این میزان باشد، در خصوص ملازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است».

البته به نظر نگارنده با ابلاغ بخش‌نامه مورخ ۴/۳۱/۱۳۹۱ از سوی رئیس قوه قضائیه، که موجب اصلاح بند ج ماده ۱۸ آیین‌نامه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی شد، ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده عملاً کارایی خود را از دست داده است. زیرا، روشن است با اجرای بخشنامه مذکور هر دو قسمت ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مشمول حکم واحدی قرار می‌گیرد که به موجب آن حبس مدیون (زوج) در هر حال، منوط به اثبات تمکن وی خواهد بود.

در ادامه رویکردهای حبس‌زدایی قوه قضائیه و به عبارتی به منظور کاهش اطاله دادرسی و ورودی پرونده به محاکم و نیز کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، با توجه به ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مادتين ۱۸ و ۱۹ دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و بخشنامه شماره ۱۰۰/۳۴۸۵۹/۹۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۲ ریاست محترم وقت قوه قضائیه و همچنین، فحواي بند (ب) ماده ۱۱۳

دلیل اقرار ضمنی زوجه به اعسار شوهر در حال عقد و دیگری عدم امکان حبس شوهر تحت عنوان مدیون مشکوک العسر أو اليسر، به این دلیل که زوجه پذیرفته که حین العقد، زوج توان پرداخت مهریه را ندارد و لذا عنوان مشکوک العسر او اليسر بر او مترتب نمی‌شود و اگر زوجه بخواهد ادعای تبدیل وضعیت شوهر از اعسار به ایسار را نماید مدعی محسوب می‌شود و باید اقامه دلیل نماید (حبیبی تبار، ۱۳۹۴، ۱۵۱). اینکه در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ اماره قانونی ۱۱۰ سکه بهار آزادی قرار داده شده است نیز باعث می‌شود اگر مهریه عندالمطالبه هم باشد صرفاً اگر زوجه ۱۱۰ سکه یا معادل آن را از مهریه مطالبه کند (ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱). فرآیند بازداشت شوهر به عنوان مدیون مشکوک به ناتوان از پرداخت مطرح باشد و در حال حاضر با تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی و مصوب ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام تشریفات اثبات اعسار محکوم‌علیه مالی از پرداخت دین تغییرات اساسی و کلی پیدا کرده است، مع‌الوصف امکان بازداشت محکوم‌علیه مالی بر اساس ماده ۳ قانون یادشده متصور است گرچه اثبات اعسار از پرداخت محکوم‌به در هر صورت تابع تشریفات قانونی است (نظریات مشورتی به شماره‌های ۵۴۰/۹۲/۷/۲۶/۳/۹۲ و ۶۵۶/۲۹/۷/۱۲/۴/۹۲ و ۸۱۹/۹۲/۷/۱۱/۵ و ۹۲/۵/۱۳۲۴/۹۲/۱۱/۸/۷/۹۲ اداره کل حقوقی و تدوین متون قوه قضائیه).

اتخاذ کنند که منتهی به جلب و بازداشت زوج نشود و این اقدام با توجه به شرایط شیوع کرونا و سیاست دستگاه قضایی در دوران تحول قضایی مبنی بر کاهش جمعیت کیفری و حبس‌زدایی انجام شده است.

بخشنامه چگونگی رسیدگی به دادخواست‌های مطالبه مهریه در محاکم در ظاهر منجر به تقویت اعتبار اسناد رسمی و کاهش تعداد زندانیان می‌شود. امتیاز دیگری که این روش می‌تواند به دنبال داشته باشد این است که تشریفات رسیدگی و جریان دادرسی آن کوتاه‌تر بوده و در واقع زوجه راحت‌تر می‌تواند به خواسته خود برسد، مشروط بر اینکه اموال و دارایی‌های قابل دسترسی وجود داشته باشد. اما از جهاتی نیز قابل نقد است؛ اول اینکه اقدامات قضایی ضمانت اجرای مناسب‌تری داشت و آن اینکه اگر زوج نسبت به پرداخت مهریه اقدام نمی‌کرد، این حق برای زوجه وجود داشت که بتواند درخواست بازداشت زوج بدهکار را ارائه کند. دوم اینکه اصولاً در دعاوی دادگاه صالح، دادگاه محل اقامت "خوانده" است که محل زندگی زوج می‌شود اما به موجب تغییراتی که در قانون حمایت خانواده پیش آمد، زوجه برای مطالبه مهریه مجبور نبود چنانچه زوج در شهر دیگری زندگی می‌کند حتماً در محل اقامت زوج مطرح دعوا نماید و می‌توانست در محل اقامت خود طرح دعوا نماید. با مراجعه به ثبت، امتیازی که زوجه برای طرح دعوا در محل اقامت خود داشت را از دست می‌دهد و

قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱)^۱ قوه قضائیه در بخشنامه‌ای به رؤسای دادگستری سراسر کشور نحوه رسیدگی به دادخواست‌های مطالبه مهریه را ابلاغ کرد. در این بخشنامه آمده است؛ در خصوص شناسایی و توقیف اموال مدیون (زوج) در عقدنامه به عنوان یک سند لازم‌الاجرا در مواردی که زوجه دادخواست مطالبه مهریه ارائه می‌دهد، لازم است بدواً به اداره ثبت اسناد و املاک مراجعه کند تا با توقیف دارایی زوج بتواند حقوق شرعی و قانونی خود را به عنوان مهریه دریافت کند. ثبت اسناد و املاک در صورت عدم حصول نتیجه در شناسایی و توقیف اموال مدیون پس از گذشت ۶ ماه از زمان درخواست اجراییه، گواهی برای محاکم قضائی صادر می‌کند. با عنایت به وضعیت مالی مدیون (زوج) موضوع خواسته زوجه بررسی و حکم مناسب صادر می‌شود. بر اساس بخشنامه مذکور، مقرر شده تا واحدهای اجرای احکام مدنی (اعم از محاکم و مراکز حل اختلاف) در جریان اجرای احکام پرونده‌های مهریه، صرفاً از طریق شناسایی اموال محکوم‌علیه (مکاتبه با مراجع ثبتی، راهور، بانک‌ها و...) اقدام کنند و ترتیبی اتخاذ شود که منتهی به جلب و بازداشت محکوم‌علیه نشود. در یکی از بندهای بخشنامه معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در خصوص مهریه تأکید شده که واحدهای اجرای احکام مدنی در جریان اجرای احکام پرونده‌های مهریه، ترتیبی

مکلفاند بلافاصله پس از تقاضای اجراییه نسبت به شناسایی و توقیف اموال مدیون اقدام کنند.

^۱ مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از طریق ادارات اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجرای می‌شوند. ادارات مذکور

حکم جلب وی وجود خواهد داشت که البته با بخش‌نامه اخیر قوه قضائیه عملاً ضمانت کیفری منتفی شده است.

در خصوص نفقه نیز باید گفت که مطابق ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ترک انفاق ۹۱ روز تا ۵ ماه حبس را به دنبال داشت. مجازات مذکور در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تشدید شده و به بیش از ۶ ماه تا ۲ سال افزایش پیدا کرده است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار شایسته است مجازات ترک انفاق را به جای حبس، انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه یا اشتغال به مشاغلی اختصاص داده و منافع حاصل از آن به عنوان نفقه زوجه پرداخت شود. نکته مهم در خصوص این مسئله این است که با به زندان رفتن زوج و تحمل مجازات، وضعیت زوجه هیچ تغییری نکرده و هم چنان نفقه‌ای که مایحتاج زندگی او را تأمین کند به او پرداخت نمی‌شود و عملاً تغییری در وضعیت مالی او ایجاد نمی‌گردد. در واقع، طرح دعوای ترک انفاق و به تبع آن محکومیت زوج و تحمل مجازات، طریقی است که حق طلاق را به زوجه داده تا با توسل به آن بتواند سریع‌تر به هدف خود در خصوص طلاق نزدیک شود. بنابراین، مجازات حبس نه تنها در خصوص طلاق زوجین، حالت بازدارندگی ندارد بلکه راهی به سوی طلاق و به دست آوردن حق طلاق برای زنان می‌باشد. به نظر می‌رسد بهتر است در قانون، به جای قراردادن مجازات حبس برای مرتکبین به جرم ترک انفاق، آن‌ها را به کار اجباری در مراکزی معین محکوم کرده و هزینه آن را به عنوان نفقه به خانواده

مهم‌تر این که در فاصله پیگیری‌های اجرایی که شاید حدود ۸ الی ۹ ماه از شروع تا شروع اقدام قضایی بعدی طول بکشد، معمولاً زوجی که مستنکف از پرداخت دین است، اموال و دارایی‌هایش را مخفی کرده و به نام دیگران منتقل می‌کند و عملاً دسترسی زوجه به طلبش و محکوم‌به را بسیار سخت می‌کند. امتیاز دیگری که مراجعه به مراجع قضایی دارد این است که این امکان هم وجود داشت که زوجه درخواست دستور موقت بر توقیف مال کند و قبل از اینکه زوج بیاید اموالش را مخفی کرده یا به دیگران منتقل کند، بتواند حداقل بخشی از آن اموال را توقیف کند. در مقایسه، مطالبه حق از طریق اجرای ثبت از این امتیازات بهره‌مند نیست.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی‌ها بر صحت فرضیه ارائه‌شده دلالت دارد. به عبارتی، در خصوص ضمانت اجرای کیفری حقوق اقتصادی زنان نتایج نشان داد که رویکرد حداقل در بهره‌گیری از ضمانت کیفری داشته و در دو مورد نفقه و مهریه قائل به ضمانت کیفری شده است. در خصوص مهریه زوجه می‌تواند برای دریافت ۱۱۰ سکه از مهریه اقدام کرده و حکم جلب زوج را دریافت کند البته این امر صرفاً برای ۱۱۰ قابل اجرا بوده و برای بیشتر از آن امکان ندارد. به این معنی که اگر مهریه زن بیش از ۱۱۰ سکه باشد و همه آن در زمان اعسار قسطبندی شود، در صورتی که زوج قبل از رسیدن تعداد سکه‌ها و قسط‌ها به ۱۱۰ سکه، از پرداختن آن امتناع نماید، امکان دریافت

محکومین پرداخت نمایند و دیگر عدم پرداخت نفقه باعث ایجاد حق طلاق برای زنان نباشد. محکومیت به کار اجباری و پرداخت دستمزد آن به محکوم‌له، می‌تواند در خصوص بی‌مسئولیتی مردان و طلاق زنان و به تبع آن از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها، بازدارندگی بسیار مؤثرتری نسبت به مجازات حبس داشته باشد.

۷. تقدیر و تشکر

از داوران و تحریریه مجله تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان در نگارش مقاله نقش و سهم مساوی داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

- ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز، المهذب، جلد دوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد یازدهم، چاپ سوم، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵.
- امامی، اسدالله، صفایی، سید حسین، مختصر حقوق خانواده، چاپ بیست و نهم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
- پژوهشکده شورای نگهبان، قانون حمایت خانواده در پرتو نظرات شورای نگهبان، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد دوم، چاپ اول، قم، کتاب‌فروشی داوری، ۱۴۱۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۹۶.
- حبیبی تبار، جواد، گام‌به‌گام با حقوق خانواده، چاپ دوم، قم، نشر گام‌به‌گام، ۱۳۹۴.
- حکمت نیا، محمود، حقوق زن و خانواده، چاپ پنجم، تهران، پژوهشکده نظام اسلامی، ۱۳۹۷.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، جلد سی و چهارم، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، جلد دوازدهم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۸.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد پنجم، چاپ سوم، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، الخلاف، جلد ششم، چاپ اول، قم، دار المعارف الاسلامیه و مؤسسه نشر اسلامی، بی‌تا.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- فراهیدی، خلیل، کتاب العین، جلد سوم، چاپ دوم، قم، مؤسسه دارالحجره، ۱۴۰۹.
- فرشتیان، حسن، نفقه زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱.
- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چاپ شصت و هفتم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.

- محسنی، سعید، قبولی درافشان، سید محمد مهدی، «بررسی نوآوری‌ها و چالش‌های ماهوی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱»، مجله مطالعات زن و خانواده، شماره دوم، دوره دوم، ۱۳۹۲.

- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد سی و یکم، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.

- هدایت نیا، فرج‌الله، محمدی، مرتضی، احمدیه، مریم، حقوق مالی زوجه، چاپ اول، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی، ۱۳۸۶.



Criminal guarantee of the wife's economic rights

Mazaher Khajvand¹, Mina Jafari^{2*}, Mojtaba Lotfi Khachak³

1. Faculty member of Law Department, Nowshahr Branch, Islamic Azad University, Nowshahr, Iran.

2. Master of Criminal Law and Criminology, Sari Science and Research Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

3. PhD Student in Private Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 75-91

Article history:

Received: 13 Apr 2021

Edition: 16 Jun 2021

Accepted: 18 Aug 2021

Published online: 26 Sep 2021

Keywords:

Criminal Guarantee, Economic Rights, Wife, Dowry, Alimony

Corresponding Author:

Mina Jafari

Address:

Sari Science and Research Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-0619-119X

Tel:

09123157275

Email:

m_jafari@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The wife has several rights in the relationship with the husband. Some of these rights are called financial and economic rights. The wife's economic rights include dowry, alimony, retribution. The main purpose of this article is to examine the guarantee of criminal implementation of the wife's economic rights.

Materials and Methods: This is a leading descriptive-analytical article using a library method.

Ethical considerations: In different stages of writing the article, ethical and scientific principles have been observed, including the scientific and accurate use of scientific resources.

Results: Not all cases of wife's economic rights have a criminal guarantee. The use of criminal guarantees in couples' relationships is not very compatible with the foundation and philosophy of family and marriage, legislator's approach in this regard is minimal.

Conclusion: Regarding the economic rights of the wife, only the dowry and alimony of the criminal guarantee are provided. Regarding the dowry, with the issuance of the recent directive of the Judiciary, which has restricted the execution of imprisonment sentences for non-payment of dowry, the criminal guarantee has been practically abolished. The legislature has also set a penal guarantee for imprisonment for alimony, but the fact of the matter is that the punishment of imprisonment for leaving alms does not affect the wife's condition. Therefore, instead of imprisonment, it is better to consider other punishments, such as being sentenced to forced labor in certain centers and paying its wages to the convict.

Cite this article as:

Khajvand M, Jafari M, Lotfi Khachak M. Criminal guarantee of the wife's economic rights. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(3): 75-91.